

کی ریخت خون کہ آجیت کرد  
کئی خست پل و کئی گشت مرد



۱۳۳

۱۳۲

سوردهاں

و درین هنگام مولای پشای هزار خاطر در دست زد یک شعله سبز خشی از بدالی و چرخش در زمین مشرف فوج آمد  
خبرهای ناخوش از جانب ان سرمایه نظام عالم رسانده بود چون نظر شهر مار شیردل برین فوج افتاد و از فور و دور آمد  
و زرم را بی متوجه غول شده او از بر آورده و رود ز کار این بی عادتان انجام رسانید شجاعت خان و چندی از عباد  
او از ان پیشوای ظاهر و باطن دریافت عنایه ز متوجه دفع آن تیره بجان شدند محمد حسین میرزا و جمعی که در ان عصر کابل  
آزنی میگشتند یکبارگی در آشنی و پیشتر ازین بعضی از کار طلبان غول چون سید محمود خان بر سره و رای را بستند و فرح  
و جمعی بی تاب ازین فوج جدا شده و شقایق به روزی گفت بعضی سطوت سمت و علو اقبال شایسته ای نباید فریور رسد  
و شقایق به روزی گفت چنین فحشی زرد که عنوان فتوحات جهاکشای توانند بطوریه آمد و خدیو کوشی ستان مهم  
پس از یزدی مل و زبان و جوارح بقدم رسانده است استه بصوب احمد آباد عنان اقبال ناسند تخم تحقیق از ان اقبالند  
و هم استکشاف بعب دیر رسیدن میرزا که و شک بر کرات مفرودند که لال کلاوت بعض رسانید که سیف خان کلا  
جانساکر و مسافر ملک تقدس شد آن معدم بهانی منبج قدر دانی را ازین ساخته اند و افرا تونخ خاطر دست و انفع  
خرد عالم آرا می شعله اطمینان افروخته و تحقیق این سرگذشت توجه عالی گاشت مدخر چنان روشن شد که سیف خان  
در متن اول مجلس ستان کرده غنم را منظم ساخت و بدو زخم نمایان کرد و داشت بهجیری اجمیری کمان کا حضرت  
شاسا بود حسین خان گفت که چون ملاقات کردم مبارک باد فوج و سخن رویی اش از گفت ارکید که جدا شدیم و چون  
که در جنگی محمد حسین میرزا با چندی از او باش در میدان سرشورش داشت که با او میرسد و ان یکانه اخلص نام تمام عمر  
داد و پدلی داده بک تقدس می شتابد و از انبا که بک سزال توانست سید عقیدت و اخلص موت میر که خود  
طلیعی دین روزمان داده در سر عهد تمند او بوشن که شما خود را بر فوجی زده پفر و اسپس شش گفت این نونمال عید  
منشی خود را از ان حضرت داشت در اخلص اسخ قدم بود و والدین ان فاشرت نیز وسیله عطیه الهی ات تقدیس رسانید  
میدانستند و مجلی ازین سانه هایت بحس انت که والدین جن و همیشه در سر آوردی پدر بزرگوار او بقتضای شرت آمده  
و شورش نمودی درین مرتبه که در کابل این اخلص و در بار و رشدر با فروخته گفت که این بار هم در تمام دیگر راه آشناسی با  
پس و در داعم ان عفت نهاد پیش حضرت قدسی نشانی میم مکانی آمده انهار که که در و طلب حضرت استقاط عمل نمودن این  
سر زش کباره باشد در آشنای حضرت شاسا و جارشند و چون حقیقت حال کاسی یافتند با وجود صغر سن  
فرمودند که اگر با سن خاطر ما میخواستی بر امون ان کا ذکر دی که از دانا را فرزند می یک اخر که امت خواه فرمود ان حضرت نهاد